

Tyler's Model of Psychosocial Competence : A Comparison of Iranian and Lebanese Students

Oumaima Mohsen Olleik

PhD Candidate

Tarbiat Modarres University

Maria A. Vafaie, PhD

Tarbiat Modarres University

دکتر ماریا آگیلار وفایی

دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

امیمه محسن علیق

دانشجوی دکتری

دانشگاه تربیت مدرس

Kazem Rassoulzadeh Tabatabai, PhD

Tarbiat Modarres University

دکتر کاظم رسولزاده طباطبایی

استادیار دانشگاه تربیت مدرس

Abstract

In order to assess differences in intercorrelation coefficients among the three components of proactive coping, external locus of control, and attitude towards the world 172 Iranian students (50 male, 122 female) and 146 Lebanese students (66 male, 80 female) responded to the Psychosocial Competence Scale (Tyler, 1978), Rotter's Internal and External Locus of Control Scale (Rotter, 1966) and Rotter Trust Scale (1967). Findings revealed that in the Lebanese sample, with the rise in external locus of control and a more positive attitude towards the world, proactive coping decreased whereas in the Iranian sample higher external locus of control was coupled with lower proactive coping. The relationship between external locus of control and attitude towards the world was insignificant in both groups but this coefficient was significantly larger for the Iranian group. Differences in social and political structures of the two countries are discussed as the main reason behind these findings.

Key words: crosscultural research, Tyler's model of psychosocial competence, locus of control, proactive coping, attitude towards the world, Iranian and Lebanese students.

چکیده

با هدف بررسی تفاوت ضرایب همبستگی درونی بین سه مؤلفه مقابله پیشگیرانه، مسند مهارگری و بازخورد نسبت به جهان، ۱۷۲ (۵۰ پسر و ۱۲۲ دختر) دانشجوی ایرانی و ۱۴۶ (۶۶ پسر و ۸۰ دختر) دانشجوی لبنانی به سه مقیاس ویژگیهای رفتاری صلاحیت روانی - اجتماعی تایلر (۱۹۷۸)، مقیاس مسند مهارگری درونی و بیرونی راتر (۱۹۶۷) و مقیاس اعتماد (راتر، ۱۹۶۶) پاسخ دادند. نتایج نشان دادند در نمونه لبنانی با افزایش مسند مهارگری بیرونی و بازخورد مثبت تر نسبت به جهان، مقابله پیشگیرانه کاهش یافت؛ در حالی که در نمونه ایرانی بالا-بودن مهارگری بیرونی، با کاهش مقابله پیشگیرانه همراه بود. رابطه مسند مهارگری بیرونی با بازخورد مثبت نسبت به جهان در هر دو گروه غیر-معنادار بود اما این ضریب در گروه ایرانی به گونه معناداری بزرگتر از گروه لبنانی به دست آمد. وجود تفاوت بین ساختارهای اجتماعی و سیاسی دو کشور به عنوان یکی از دلایل عمده این یافته‌ها مورد بحث قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی: بررسی بین فرهنگی، الگوی صلاحیت روانی اجتماعی تایلر، مسند مهارگری، مقابله پیشگیرانه، بازخورد نسبت به جهان، دانشجویان ایرانی و لبنانی.

received : 17 Nov 2008

دریافت : ۸۷/۸/۲۶

accepted : 26 July 2009

پذیرش : ۸۸/۵/۴

مقدمه

مفهوم عمومی صلاحیت روانی-اجتماعی^۱ به توانایی مقابله مؤثر با نیازها و چالشهای روزمره اشاره دارد. به عبارت دیگر، صلاحیت روانی-اجتماعی را به منزله موفقیت منطبق با تحول فرد، در قلمروهایی مانند موفقیت تحصیلی، مقبولیت در بین دوستان، موفقیت ورزشی، انتخاب یک حرفه، ازدواج، به دست آوردن شغل و به طور کلی، موفقیت در زندگی، دانسته‌اند (مستن و کوستورث، ۱۹۹۸). صلاحیت روانی-اجتماعی یک فرایند چند بعدی است که از تلاشهای شناختی-رفتاری و هیجانی در مواجهه با رویدادهای تنیدگی‌زا تشکیل شده است و افراد را به استفاده از مهارتهای خاص ملزم می‌کند (زی و تایلر، ۱۹۹۶).

در سالهای اخیر، گرایش به ارزیابی صلاحیت روانی - اجتماعی فراتر از کودکی و ملیت افزایش یافته است. مستن و کوستورث (۱۹۹۸) فرایند تحولی صلاحیت روانی - اجتماعی را از کودکی تا پایان نوجوانی بررسی کرده‌اند. لونگ، بونز و زاشار (۱۹۹۷) الگوی صلاحیت روانی - اجتماعی تایلر را برای ارزیابی سازش‌یافتگی تحصیلی نوجوانان به کار برده‌اند. مطالعات مشابه درباره دانشجویان در حوزه‌های خاص مانند پزشکی (بلاک، ۱۹۹۶؛ ویلیامز و دسی، ۱۹۹۶) و در سالمندان (بالتس و مهیر، ۱۹۹۹) و به صورت بین‌فرهنگی (زی و تایلر، ۱۹۹۶) نیز انجام شده‌اند. تایلر (۲۰۰۱) با پیشنهاد الگوی فرافرهنگی وابسته به قومیت^۲ در بررسی ماهیت و سیر تحولی صلاحیت روانی-اجتماعی، بر ضرورت توجه به عوامل اجتماعی و بین نسلی در تحول انسان و همچنین تفاوت‌های بین فردی در زمینه شناختی، اجتماعی و هیجانی مبتنی بر فرهنگ، تأکید کرده است.

در الگوی تایلر (۱۹۷۸)، استنباط افراد از واقعیت ادراک شده، جنبه منحصر به فرد دارد و حتی در یک فرهنگ خاص، راههای زندگی کردن و ساختن زندگی متفاوتند. بنابراین تنها با به رسمیت شناختن فرهنگ افراد است که می‌توان انسانها را به نحو مؤثری درک کرد و به ارتباط‌های بین‌فرهنگی نظم بخشید.

به عبارت دیگر، برای درک افراد در قالب یک چهارچوب بین‌فرهنگی توجه به چند عامل ضروری است: نخست، باید به شرایط زمینه‌ای و سابقه فرد نظیر دوره یا زمان زندگی وی و متعلقات او (خانواده، قوم و ...) توجه شود. دوم باید عواملی مانند تقدیر و مقدرات ماورایی فرد (مانند ساختار کلی ژنتیکی، جنس، مرحله زندگی، کشور) و وجود مستقل و منحصر به فرد وی (مانند میزان حق انتخاب در زندگی و بستر برقراری ارتباط با دیگران) را همواره در مد نظر داشت. بالاخره باید افزود که به‌رغم تأثیر محدودکننده یا تسهیل‌کننده شرایط زمینه‌ای و تاریخچه زندگی بر شخصیت فرد، پیش‌بینی قطعی تأثیر این عوامل امکان‌پذیر نیست.

در الگوی تایلر (۱۹۹۹) موقعیتهای زندگی ماهیتاً سلسله مراتبی هستند یعنی از آغاز زندگی، هر فرد به نظام خانواده، خانواده به یک گروه اجتماعی و گروه اخیر به قوم خاصی وابسته است. مجموعه گروه‌های جامعه در یک کشور زندگی می‌کنند و این کشور در قلمرو یک فرهنگ قرار دارد. در نتیجه، تعریف انسان، بدون در نظر گرفتن هر یک از این نظامها و ساختارهای اجتماعی که ماهیت فرد و شیوه زندگی او را تعیین می‌کنند، ناممکن است.

براساس الگوی کل‌نگر^۳ صلاحیت روانی-اجتماعی تایلر (۱۹۹۱)، چنین فرض می‌شود، که فرد در تعامل با محیط به مفهوم زندگی، سطح حرمت خود^۴ و به طور کلی، به سه مؤلفه اصلی صلاحیتهای روانی - اجتماعی دست می‌یابد:

- مسند مهارگری^۵ مفهومی است که نشان می‌دهد افراد رویدادهای مثبت و منفی را در زندگی چگونه درک می‌کنند، چه دلایلی برای وقوع آنها می‌یابند و به عبارت دیگر وقوع آنها را به چه چیزهایی نسبت می‌دهند. بر این اساس می‌توان جایگاه افراد را در پیوستاری که در یک سوی آن مسند مهارگری درونی^۶ و در سوی دیگر آن مسند مهارگری بیرونی^۷ قرار دارد، تعیین کرد (راتر، ۱۹۶۶). مسند مهارگری بیرونی علل حوادث و رویدادها

1. psychosocial competence

2. Transcultural Ethnic Validity Model

3. holistic

4. self-esteem

5. locus of control

6. internal

7. external

سازه صلاحیت روانی-اجتماعی به کاهش افسردگی زنان و افزایش مهارت‌های هیجانی و اجتماعی آنها منجر می‌شود. مقایسه دو کشور ایران و لبنان از نظر صلاحیت روانی-اجتماعی می‌تواند به نتایجی جالب منجر شود. بدین دلیل که از یک سو، ساختار اجتماعی این دو کشور متفاوت است. لبنان کشوری با دولت غیراسلامی است که در آن مسلمانان یکی از چند گروه قومی هستند، در صورتی که در ایران فرهنگ غالب و قوی فرهنگ اسلامی است. از سوی دیگر، ممکن است شبکه‌های حمایتی و تهدیدهای ادراک شده توسط فرد، خانواده و اجتماع در این دو کشور متفاوت باشد و به سهم خود، بر دامنه انتخاب روش زندگی، روابط، عقاید و غیره در سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی اثر کند.

به طور کلی با توجه به اهمیت موضوع صلاحیت روانی-اجتماعی و تأثیر آن بر زندگی شخصی (تایلر و وارما، ۱۹۸۸)، روانی (گانگ، ۲۰۰۲) اجتماعی (اشر و روز، ۱۹۹۷) و اقتصادی (شول، مایو و برنشتاین، ۲۰۰۴) در این پژوهش کوشش شده تا با گسترش الگوی تایلر (۱۹۷۸) گامی در جهت مفهوم‌سازی جدید صلاحیت روانی-اجتماعی برداشته شود و با استناد بر مبانی نظری موجود به دو پرسشی که در پی می‌آیند پاسخ داده شود:

- آیا بین مسند مهارگری فرد، بازخورد مثبت نسبت

به جهان پیرامون و رفتار مقابله پیشگیرانه در دو کشور لبنان و ایران همبستگی وجود دارد؟

- آیا همبستگی بین مؤلفه‌های صلاحیت روانی-اجتماعی در دانشجویان ایرانی و لبنانی با یکدیگر تفاوت دارد؟

روش

یک گروه نمونه ۱۷۶ نفری (۱۲۲ دختر و ۵۰ پسر) از دانشجویان دوره کارشناسی ارشد دانشگاه‌های شهر تهران (شامل دانشگاه‌های تهران، الزهرا و شهید بهشتی) با روش تصادفی و یک گروه نمونه ۱۴۹ نفری (۷۵ دختر و ۷۴ پسر) از دانشجویان دانشگاه‌های لبنان (بیروت، آمریکایی، عربی) به صورت غیرتصادفی انتخاب شدند (جدول ۱) و به مقیاسهایی که در پی می‌آیند پاسخ دادند:

را خارج از حدود تواناییها، اختیارها و خواسته‌های فرد قرار می‌دهد و آنچه حادث می‌شود نتیجه بخت، تصادف و یا نیروهای پیچیده خارجی احاطه‌کننده فرد در نظر گرفته می‌شود. در مقابل مسند مهارگری درونی بر نقش هر فرد بر رقم خوردن وقایع مثبت یا منفی، موفقیتها یا شکستها تأکید دارد. افرادی که به مسند مهارگری درونی باور دارند مسئولیت اعمالشان را می‌پذیرند و زمام امور زندگی‌شان را در دست دارند.

- واکنش سازنده نسبت به جهان براساس خوش‌بینی و اعتماد در برابر بدبینی و بی‌اعتمادی تعریف می‌شود. افراد واجد صلاحیت روانی-اجتماعی نسبت به جهان پیرامون و روند شکل‌گیری رویدادها خوش‌بین هستند و به این فرایند اعتماد دارند (راتر، ۱۹۶۷).

- روی‌آورد سازشی فعال مستلزم استفاده از راهبردهای پیشگیرانه و مقابله‌ای در زندگی است. تعیین هدفهای واقع‌نگر، برنامه‌ریزی وسیع، تلاش و صبر برای دستیابی به این هدفها، توانایی لذت‌بردن از موفقیتها و درس‌گرفتن از شکستها و موفقیتها را می‌توان از جمله این راهبردها دانست. از نظر تایلر مواجهه فعل‌پذیر با رویدادهای زندگی ناشی از عدم برنامه‌ریزی، ناتوانی در تعیین هدفهای روشن و سازمان‌یافته، ناتوانی در لذت‌بردن از موفقیتها و درس‌گرفتن از شکستهاست (تایلر، ۱۹۷۸).

این ویژگیها که در عین استقلال در تعامل با یکدیگرند، زیربنای الگوی رفتاری و کنش‌وری سازشی فرد را فراهم می‌کنند و موجب می‌شوند تا وی بتواند با مهار احساسهای خویشتن، به احساس خوشبختی دست یابد و در مواجهه با موقعیتهای تنیدگی‌زا، انعطاف‌پذیر باشد.

تایلر و وارما (۱۹۸۸) بر این باورند که الگوی صلاحیت روانی-اجتماعی پیشنهادی تایلر (۱۹۷۸) قابلیت کاربرد بین‌فرهنگی دارد همچنین می‌تواند در کودکان نیز مورد استفاده قرار گیرد. کودکان (۷ تا ۱۰ ساله) با صلاحیت روانی-اجتماعی بالا در مقایسه با کودکان با صلاحیت پایین به اطرافیان خود بیشتر کمک می‌کنند. زی و تایلر (۱۹۹۶) یافته‌های مشابهی در مورد دانشجویان دانشگاهی به دست آورده‌اند. جونز و فورد (۲۰۰۸) طی یک پژوهش بین‌فرهنگی در مورد زنان سیاه پوست و سفید پوست نشان دادند که

جدول ۱.

توزیع فراوانی آزمودنیها به تفکیک جنس در دو کشور

کشور	ایران		لبنان		کل	
	%	n	%	n	%	n
دختر	۷۱	۱۲۲	۵۵	۸۰	۲۰۴	۶۴
پسر	۲۹	۵۰	۴۵	۶۶	۱۱۴	۳۶
کل	۵۴	۱۷۲	۴۶	۱۴۶	۳۱۸	۱۰۰

متوسط ضریبهای درونی این مقیاس بر پایه پژوهشهای متعدد بیش از ۰/۷۰ بوده است (تایلر، ۲۰۰۱). این مقیاس در جمعیت ایرانی توسط غضنفری (۱۳۸۱) هنجاریابی شده است.

• **مقیاس اعتماد راتر^۳ (راتر، ۱۹۶۷) :** این مقیاس شامل ۴۰ گویه و هر گویه بیانگر بازخورد مثبت فرد نسبت به جهان است. از فرد خواسته می‌شود تا به انتخاب بین دو گزینه الف یا ب پردازد. نمره کل هر فرد نشان‌دهنده میزان بازخورد مثبت او به جهان است. متوسط ضریب همسانی درونی در بسیاری از پژوهشها بیشتر از ۰/۶۸ بوده است (راتر، ۱۹۸۰).

یافته‌ها

برای بررسی ارتباط بین سازه‌های منعکس‌کننده صلاحیت روانی-اجتماعی شامل مسند مهارگری، بازخورد مثبت نسبت به جهان و رفتار مقابله‌پیشگیرانه برای دو کشور لبنان و ایران، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده و نتیجه آن در جدول ۲ منعکس شده است.

• مقیاس ویژگیهای رفتاری صلاحیت روانی-اجتماعی^۱

(BAPC؛ تایلر، ۱۹۷۸): این پرسشنامه خودسنجی دارای ۳۶ گویه است و مهمترین بعد رفتاری صلاحیت روانی-اجتماعی را یعنی میزان مقابله‌پیشگیرانه را می‌سنجد. این بعد رفتاری توصیف‌کننده راهبردهای رفتارهای مقابله‌ای مؤثر بر سازش‌یافتگی فرد است. روایی این مقیاس مطلوب و ضرایب همسانی درونی و بازآزمایی آن به ترتیب برابر با ۰/۷۶ و ۰/۸۶ گزارش شده است (زی و تایلر، ۱۹۹۶).

• مقیاس مسند مهارگری درونی و بیرونی راتر^۲ (LC) :

راتر، ۱۹۶۶)، شامل ۲۹ گویه است. آزمودنیها باید میزان موافقت خود با هر گویه را از بین دو گزینه انتخاب کنند. نمره کل هر فرد میزان مهارگری بیرونی را نشان می‌دهد.

جدول ۲.

میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی بین مؤلفه‌های صلاحیت روانی - اجتماعی در دانشجویان ایرانی و لبنانی

متغیر	<u>M</u>	<u>SD</u>	مقابله‌پیشگیرانه	مسند مهارگری	بازخورد نسبت به جهان
لبنان					
مقابله‌پیشگیرانه	۲۱/۹	۵/۰	—	—	—
مسند مهارگری	۱۰/۶	۳/۴	-۰/۳۷۲**	—	—
بازخورد نسبت به جهان	۸۹/۵	۷/۷	-۰/۲۱۸**	-۰/۰۹۲	—
ایران					
مقابله‌پیشگیرانه	۲۲/۴	۵/۳	—	—	—
مسند مهارگری	۸/۴	۴/۳	-۰/۳۴۸**	—	—
بازخورد نسبت به جهان	۸۷/۲	۹/۳	-۰/۱۰۶	-۰/۱۰۶	—

**P < ۰/۰۵.

معنادار وجود دارد. همبستگی بین بازخورد نسبت به جهان و مسند مهارگری در هر دو نمونه ایرانی و لبنانی منفی

چنانکه در جدول ۲ دیده می‌شود بین مسند مهارگری بیرونی و مقابله‌پیشگیرانه در هر دو نمونه رابطه منفی و

درون‌نگر بیش از افراد برون‌نگر بر عمل تکیه می‌کنند؛ خطرپذیرتر هستند و از کارهای تازه و دشوار استقبال می‌کنند. این افراد بر تواناییهای خود در انجام اعمال لازم برای مهار رویدادها ایمان دارند، هدفهای خود را دسته‌بندی می‌کنند، برای سلطه بر محیط تلاش به عمل می‌آورند و از زندگی در محیطهایی که مستلزم مهارگری فردی است احساس خشنودی می‌کنند. به عکس، افراد برون‌نگر که بر مسند مهارگری بیرونی تکیه دارند از مواجهه با محیطهای دشوار، به خصوص محیطهایی که درگیری فعالانه فرد را فرامی‌خوانند، اجتناب می‌ورزند و برای مثال از راهبردهای ارتباطی که نیازمند مهارت کمتری هستند، سود می‌جویند (زیمرن و زانیسر، ۱۹۹۱). این افراد برای نیل به هدفهای موردنظر خود به کسب مهارتهای لازم نمی‌پردازند و بر این باورند که از مهارتهای مؤثر حل مسئله برخوردار نیستند؛ در نتیجه به رفتارهایی مانند به تعویق انداختن، انصراف، عقب‌نشینی و گریز روی می‌آورند. به عبارت دیگر، بسیاری از موقعیتهایی را که در آن قرار می‌گیرند غیرقابل مهار ادراک می‌کنند، توان و امکانات خود را برای مقابله با این موقعیتهای ناکافی یا ناکارآمد ارزیابی می‌کنند و به راهبردهای گریز و اجتناب به عنوان تنها راه حل موجود می‌نگرند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت از آنجا که دانشجویان ایرانی و لبنانی نمره بالاتری در مسند مهارگری درونی کسب کرده‌اند از راهبردهای مقابله فعالانه بیشتر استفاده می‌کنند. مقایسه همبستگی بین این دو متغیر در دو جامعه معنادار نشد؛ در نتیجه می‌توان گفت ایرانیها و لبنانیها از این لحاظ تفاوت قابل ملاحظه‌ای ندارند.

دومین یافته حاصل از این پژوهش، وجود رابطه منفی بین بازخورد منفی نسبت به جهان و مقابله پیشگیرانه در دانشجویان لبنانی و ایرانی را آشکار ساخت؛ اما این رابطه تنها در دانشجویان لبنانی معنادار بود. به نظر می‌رسد بازخورد منفی نسبت به جهان در تعارض با الگوی صلاحیت روانی - اجتماعی تایلر (۱۹۹۱) قرار می‌گیرد که براساس آن افراد با صلاحیت واجد دیدگاهی مثبت

اما غیرمعنادار بود. به بیان دیگر هر چه مسند مهارگری بیرونی تر باشد، بازخورد مثبت به جهان کمتر خواهد بود. تنها تفاوت بین دو گروه متعلق به همبستگی بین بازخورد نسبت به جهان با مقابله پیشگیرانه به دست آمد که در جامعه لبنانی منفی و معنادار و در جامعه ایرانی غیرمعنادار بود.

برای بررسی تفاوت همبستگی بین متغیرها در دو کشور از آزمون تبدیل Zr فیشر استفاده و نتیجه آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳.
خلاصه آزمون Zr فیشر برای مقایسه همبستگیهای بین متغیرهای صلاحیت روانی - اجتماعی در ایران و لبنان

همبستگیها	Zr فیشر
مقابله پیشگیرانه و مسند مهارگری	-۰/۲۴۲
مقابله پیشگیرانه و بازخورد نسبت به جهان	-۱/۸۱
بازخورد نسبت به جهان و مسند مهارگری	-۴/۱۱*

* $P < 0.01$.

نتایج منعکس شده در جدول ۳ مبین آن است که فقط تفاوت بین همبستگی بازخورد نسبت به جهان و مسند مهارگری در هر دو کشور معنادار است. همبستگی بین این دو متغیر در هر دو کشور منفی و غیرمعنادار و میزان آن در گروه ایرانی بیشتر از گروه لبنانی بود.

بحث

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که بین مسند مهارگری و مقابله پیشگیرانه فعال در دو گروه ایرانی و لبنانی رابطه منفی وجود دارد. به عبارت دیگر، مسند مهارگری پیوستاری است که هر چه در این پیوستار بالاتر رویم به مسند مهارگری بیرونی نزدیکتر می‌شویم و همین نکته مبین ارتباط بین نمره‌های بالا در مسند مهارگری با کاهش مقابله پیشگیرانه و فعالانه است. زیمرن و زانیسر (۱۹۹۱) در این راستا به بحث درباره تفاوت‌های افراد درون‌نگر^۱ نسبت به افراد برون‌نگر^۲ پرداخته‌اند. افراد

نسبت به اطرافیان و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، هستند و به جهان پیرامون خود اعتماد دارند. بنابر شواهد موجود، فقدان اعتماد، بر فرایند سازش‌یافتگی تأثیر می‌گذارد و با ویژگی‌هایی مانند نوروگرایی^۱، عاطفه منفی، فقدان سلامت روانی، احساس تنهایی^۲، فقدان احساس حمایت اجتماعی ارتباط تنگاتنگی دارد (هالمندریس و پاور، ۱۹۹۷). بازخورد افراد نسبت به اطرافیان و جهان بر نحوه پردازش اطلاعات نیز مؤثر است. در بستری از بی‌اعتمادی، رمزگردانی اطلاعات اجتماعی با یک چالش جدی مواجه می‌شود و در بسیاری از موارد رمزگردانی و تفسیر اطلاعات با سوگیری همراه است که نتیجه آن اغتشاش در روابط بین‌فردی و یا روابط فرد با گروه‌های اجتماعی، مراجع قدرت و جامعه است (شول و دیگران، ۲۰۰۴). در الگوی ارائه شده توسط اسپین‌وال و تیلور (۱۹۹۷) پشتوانه اجتماعی، عامل مهمی در مقابله فعال و پیشگیرانه محسوب می‌شود. براساس این الگو در اولین مرحله مقابله که بسیج منابع نامیده می‌شود فرد مجموعه‌ای از منابع مانند زمان، منابع اقتصادی، توانایی‌های شناختی و ... را برای مقابله با مشکلات تنیدگی‌زا در اختیار می‌گیرد. حمایت یا پشتوانه اجتماعی را شاید بتوان مهمترین و اساسی‌ترین منبعی دانست که در شرایط تنیدگی‌زا فرد بر آن تکیه می‌کند. بنابراین عدم اعتماد به اطرافیان با محدود کردن گستره حمایت اجتماعی، افراد را از یکی از مهمترین منابع مقابله فعال و پیشگیرانه محروم می‌کند. افزون بر این، بازخورد منفی فرد نسبت به محیطی که در آن زندگی می‌کند و عدم اعتماد به جریان زندگی را می‌توان به تنهایی یک عامل تنیدگی‌زا دانست که بخشی از توان مقابله‌ای فرد، با اتخاذ بازخورد حمایت از خود، به آن اختصاص می‌یابد و ظرفیت وی را برای مقابله مؤثر در سایر شرایط تنیدگی‌زا کاهش می‌دهد. در نهایت می‌توان گفت بازخورد منفی نسبت به جهان به فاصله‌گرفتن فرد از محیط‌های اجتماعی منجر می‌شود و این امر به نوبه خود موانعی در راه یادگیری و کسب مهارت‌های اجتماعی و تسلط بر آنها ایجاد می‌کند و بر شدت مشکلات پیشین

فرد می‌افزاید.

این یافته‌ها را می‌توان با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و یا تفاوت ساختارهای اجتماعی - سیاسی حاکم بر دو جامعه تبیین کرد. در لبنان اگرچه مسلمانان اکثریت جمعیت این کشور چند قومی را تشکیل می‌دهند اما به همان نسبت در اداره حکومت نقش ندارند. برای مثال بر طبق قانون اساسی این کشور، مسلمانان نمی‌توانند عهده‌دار مقام ریاست‌جمهوری شوند. از این رو می‌توان مسلمانان لبنانی را به عنوان یک گروه اقلیت محسوب کرد و محرومیت از برخی آزادی‌ها و تحمیل شدن برخی از شرایط بر آنها را یکی از علل بازخورد منفی این افراد و بی‌اعتمادی نسبت به جامعه دانست. این در حالی است که در ایران چنین وضعیتی حاکم نیست. اکثریت جمعیت ایران مسلمان هستند و دست کم در گروه نمونه این پژوهش (دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های تهران) تفاوت‌های قومی و مذهبی کمتری به چشم می‌خورند.

با این حال با آنکه تفاوت‌های اجتماعی و سیاسی را می‌توان یکی از علل تفاوت بین دو جامعه دانست اما عدم تفاوت آماری ما را بر آن می‌دارد تا آن را به عنوان وجه تمایز دو جامعه در نظر نگیریم.

در نهایت باید به بررسی یافته سوم این پژوهش پرداخت که بر مبنای آن رابطه منفی مسند مهارگری و بازخورد نسبت به جهان در هیچ‌یک از دو گروه معنادار به دست نیامد. با این حال مقایسه همبستگی دو گروه تفاوت معناداری را برجسته ساخت به طوری که همبستگی بین مسند مهارگری و بازخورد نسبت به جهان در ایرانی‌ها منفی‌تر از لبنانی‌ها بود. به بیان دیگر، دانشجویان ایرانی هر چه بیشتر به مسند مهارگری بیرونی تکیه می‌زنند، دیدگاه منفی‌تری نسبت به جهان پیدا می‌کنند. برای تبیین این یافته نیز می‌توان بار دیگر به چهارچوب‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دو جامعه رجوع کرد. لبنان کشوری متشکل از اقوام و مذاهب مختلف است و مسلمانان (که گروه نمونه از آنها انتخاب شده بود) را می‌توان به دلیل ساختار سیاسی و اجتماعی به منزله یک گروه اقلیت

دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تربیت مدرس.

- Asher, S., & Rose, A. (1997). Promoting children's social and emotional adjustment with peers. In P. Salovey & D. Sluyter (Eds.), *Emotional development and emotional intelligence* (pp. 196-224). NY: Basic Books.
- Aspinwall, L. G., & Taylor, S. E. (1997). A stitch in time: Self-regulation and proactive coping. *Psychological Bulletin*, 121 (3), 417-436.
- Baltes, P. B., & Mayer, K. U. (1999). *The Berlin aging study: Aging from 70 to 100*. NY: Cambridge University Press.
- Block, S. D. (1996). Using problem based learning to enhance the psychosocial competence of medical students. *Academic Psychiatry*, 20 (2), 65-75.
- Gong, Y. (2002). Goal orientation and crosscultural adjustment: An exploratory study. *International Journal of Intercultural Relations*, 27, 297-305.
- Halamandaris, K. F., & Power, K. G. (1997). Individual differences, dysfunctional attitudes, and social support: A study of the psychosocial adjustment to university life of home students. *Personality and Individual Differences*, 22 (1), 93-104.
- Jones, V. L., & Ford, B. (2008). Preventing depression: Culturally relevant group work with black women. *Research on Social Work Practice*, 18 (6), 626-634.
- Leong, F. T. L., Bonz, M. H., & Zachar, P. (1997). Coping styles as predictors of college adjustment among freshmen. *Counseling Psychology Quarterly*, 10 (2), 211-220.
- Masten, A., & Coastworth, J. (1998). The development of competence in favorable and unfavorable environment: Lessons from research on successful children. *American Psychologist*, 53, 205-220.

در این جامعه در نظر گرفت. از سوی دیگر یکپارچگی فرهنگی، مذهبی و اجتماعی ظاهری بیشتری در دانشجویان ایرانی به چشم می خورد. با این وجود به نظر می رسد ادراک دانشجویان ایرانی از محیطی که در آن زندگی می کنند به گونه ای است که هر چه بیشتر به آن متکی می شوند، دیدگاه منفی تری به آن پیدا می کنند. مشکلات تحصیلی پیش روی دانشجویان، فقدان چشم انداز روشن شغلی، فقدان امکانات متناسب برای تفریح و ورزش و عدم امکان تشکیل خانواده برای بسیاری از این افراد در آینده نزدیک و دیگر مسایل اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه را می توان از جمله ویژگیهای جامعه کنونی ایران دانست. به گونه ای که جوانان ایرانی برای آنکه بتوانند برای دستیابی به موفقیت نسبی از این موانع عبور کنند باید به رقابت گسترده ای با یکدیگر دست بزنند و به تلاش پیگیری دست زنند. بنابراین اتکای صرف به فرصتها و منابع بیرونی در چنین شرایط محدودکننده ای، ناکامی و عدم موفقیت را به دنبال خواهد داشت که نتیجه آن دیدگاهی منفی نسبت به این جهان چالش انگیز خواهد بود. در کشور لبنان به رغم مشکلات موجود، به نظر می رسد تحصیل کردن، یافتن شغل متناسب، ازدواج، تفریح کردن و ... کمتر از ایران چالش انگیز است و جوانان لبنانی راحت تر این موانع را از پیش روی خود برمی دارند.

در پایان باید به این نکته اشاره کرد که نتایج این پژوهش از گروه نمونه دانشجویان به دست آمده اند و تعمیم نتایج به سایر افراد جامعه بدون در نظر گرفتن ملاحظه های مربوط به ویژگیهای این گروه امکان پذیر نیست. بنابراین پیشنهاد می شود پژوهشهای آتی این روابط را در سایر گروههای سنی، تحصیلی و شغلی نیز بررسی کنند. افزون بر این، به نظر می رسد اگر در پژوهشهای بعدی عامل مذهب و یا قومیت در هر دو کشور به عنوان متغیر تعدیل کننده وارد میدان شود، امکان تبیین دقیق تر نتایج فراهم خواهد شد.

منابع

غضنفری، الف. (۱۳۸۱). مقایسه منبع کنترل و میزان افسردگی گروه جانبازان و معلولین و افراد عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد،

- tion for Cross cultural Psychology (pp. 116-123). Lisse, The Netherlands: Swets & Zeidlinger.
- Tyler, F. B. (2001).** *Cultures, communities, competence and change*. New York: Kluwer Academic/Plenum.
- Tyler, F. B., & Varma, M. (1988).** Help seeking and helping behavior in children as a function of psychosocial competence. *Journal of Applied Development Psychology, 9*, 219-231.
- Williams, G. C., & Deci, E. L. (1996).** Internalization of biopsychosocial values by medical students: A test of self determination theory. *Journal of Personality and Social Psychology, 70* (4), 767-779.
- Zea, M. C., & Tyler, F. B. (1996).** Reliability, ethnic comparability and validity evidence for a condensed measure of proactive coping: The BAPC-C. *Educational and Psychological Measurement, 56* (2), 330-343.
- Zimmerman, M. A., & Zahniser, J. H. (1991).** Refinements of sphere-specific measures of perceived control: Development of a socio-political scale. *Journal of Community Psychology, 19*, 189-204.
- Rotter, J. B. (1966).** Generalized expectancies for internal versus external control of reinforcement. *Psychological Monographs, 80* (1), 1-28.
- Rotter, J. B. (1967).** A new scale for the measurement of interpersonal trust. *Journal of Personality, 35*, 651-665.
- Rotter, J. B. (1980).** Interpersonal trust, trustworthiness and gullibility. *American Psychologist, 35*, 1-17.
- Schul, Y., Mayo, R., & Burnstein, E. (2004).** Encoding under trust and distrust: The spontaneous activation of incongruent cognitions. *Journal of Personality and Social Psychology, 86* (5), 668-679.
- Tyler, F. B. (1978).** Individual psychosocial competence: A personality configuration. *Educational and Psychological Measurement, 38*, 309-323.
- Tyler, F. B. (1991).** Psychosocial competence in developing countries. *Psychology and Developing Societies, 3* (2), 170-192.
- Tyler, F. B. (1999).** Crosscultural psychology: Is it time to change the model? In W. J. Lonner, D. L. Dinnel, D. K. Forgays, Y. S. A. Hayes (Eds.), *Merging present and future in crosscultural psychology*. Selected papers from the fourteenth International Congress of the International Association